

باور کنیم خدا عهده دار روزی خلاق است

جزء دوازدهم قرآن کریم که از آیه ۶ سوره هود علیه السلام آغاز و به آیه ۵۲ سوره مبارکه یوسف علیه السلام ختم می شود ، در بردارنده آموزه ها و پیام های روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آنها را نقل می کند .



باور کنیم خدا عهده دار روزی خلاق است

آیه ۶ سوره مبارکه هود علیه السلام با صراحت تمام خداوند متعال را عهده دار رزق تمام روزی خوران عالم معرفی می کند (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا ؛

و هیچ زنده متحرکی در این زمین (از حیوان و جن و انس) نیست مگر آنکه روزی او بر عهده خداست).

باید توجه داشت که «رزق» به معنی عطاء و بخشش مستمر است و از آنجا که روزی الهی، عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می شود. [۱]

این باور قرآنی گاهی در اثر بی توجهی به چند اصل قرآنی و روایی دیگر، مورد تردید و یا تنگی وسعت قرار می گیرد و در نظر برخی با تردیدهایی مواجه می شود .

برخی از آن اصول عبارتند از:

۱. لازمه دریافت روزی، تلاش و انجام وظیفه است .

راوی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم : انسان در طلب رزق چه وظیفه ای دارد؟ امام علیه السلام فرمود: إِذَا فَتَحْتَ بَابَكَ وَ بَسَطْتَ بِسَاطِكَ فَقَدْ فَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ ؛ وقتی در مغازه ات را گشودی و بساطت را پهن کردی ، به وظیفه ات عمل کرده ای [۲].

۲. روزی همیشه درخانه نیست و باید به دنبال آن رفت.

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: اَطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَضْمُونٌ لِطَالِبِهِ ؛ به دنبال طلب رزق باشید که رزق، برای کسی که طالب آن است ، تضمین شده است [۳].

۳. گناه روزی را کم یا نابود می کند.

در آیه ۱۲۴ سوره طه خداوند متعال می فرماید: وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ؛ و هر که از یاد من روی گرداند حتما برای او زندگی تنگی خواهد بود .

در دعای کمیل می خوانیم: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ ؛ خدایا ببخش گناهایی را که سبب دگرگونی نعمت به نعمت می شوند.

آیات ۱۵ و ۱۶ به پاداش کار کسانی می پردازد که تمام هدف و مقصودشان نام و نان دنیاست (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا). خداوند متعال پاداش تمام کارهایی که افراد به این هدف انجام داده اند را در همین دنیا به آنها می دهد و طلبی برایشان باقی نمی گذارد (نُوفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ)

۴. مدیریت صحیح اقتصادی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ ؛ ترس من از فقر امتم نیست؛ ترس من برای بی تدبیری آنهاست .

بنابراین نداشتن مدیریت صحیح اقتصادی یکی از عوامل مهم در از دست دادن رزقی است که خداوند روزی انسان کرده است .

دو واکنش نادرست انسان در برابر آمد و شد نعمت

آیات ۹ و ۱۰ به دو واکنش برخاسته از طبیعت انسان اشاره می کند:

۱. یأس و کفران در برابر مشکلات و ناراحتیها و قطع برکات الهی. آیه نهم می فرماید: و هر گاه نعمت و رحمتی به انسان بچشانیم و سپس آن را از او بگیریم او مایوس و نومید می شود و به کفران و ناسپاسی بر می خیزد (وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ إِنِّهَ لَيُتَوَسَّ كُفُورًا).

۲. غرور و خودباختگی هنگامی که در ناز و نعمت فرو می رود؛ آنچنان است که همه چیز را فراموش می کند. آیه دهم می فرماید: اگر نعمت هایی بعد از ناراحتی ها به این انسان برسد چنان از خود مغرور می شود که می گوید دیگر همه مشکلات و ناراحتی های من برطرف شد و هرگز باز نخواهد گشت و به همین جهت، شادی و سرور بی حساب و فخر فروشی و غرور بی جا سر تا پای او را فرا می گیرد ، آن چنان که از شکر نعمت های پروردگار غافل می گردد (وَلَئِنْ أَدْقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسَّنَّهٗ لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورًا).

همان گونه که در آغاز بیان شد این دو ویژگی مربوط به طبیعت انسان است؛ طبیعتی که در ساحت مادی و خاکی انسان معنا می شود ، اما این تمام داستان نیست .

انسان، ساحت غیر مادی هم دارد که فطرت خدادادی اوست که وظیفه دارد گرایشات مادی و طبیعی خود را با آموزه هایی که دین به او می دهد تحت فطرت الهی تربیت کند.

اگر طبیعت انسان تحت فطرت او تربیت دینی شد ، آنگاه در برابر آمد و شد نعمت از خود کم ظرفیتی نشان نمی دهد؛ بر آمدن آن ، شکر خدا می گوید و بر رفتن آن صبر می کند. برای همین در آیه بعد فرمود:

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

تنها افراد با ایمان که صبر را در برابر شداند و حوادث سخت زندگی پیشه کرده اند و در همه حال از اعمال صالح فروگذار نمی کنند، از تنگ نظری ها و ناسپاسی ها و غرور و تکبر برکنارند.



تصویر حساب کامل با دنیاخواهان

آیات ۱۵ و ۱۶ به پاداش کار کسانی می پردازد که تمام هدف و مقصودشان نام و نان دنیاست (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا). خداوند متعال پاداش تمام کارهایی که افراد به این هدف انجام داده اند را در همین دنیا به آنها می دهد و طلبی برایشان باقی نمی گذارد (نُوفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ) .

اینها کسانی اند که حتی بهترین کارها و با منفعت ترین خدمات را تنها برای رسیدن به اقتصاد برتر و یا شهرت بیشتر و مانند آن انجام می دهند و در هدفشان، خدا و بهشت جاودان هیچ جایگاهی ندارند .

و چون از دو شرط ورود به بهشت (کار خدایی و نیت خدایی) شرط دوم را ندارند ، از ورود به بهشت محروم و روانه جهنم خواهند شد (أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ).

این عده چون کاری برای آخرت نکردند ، اندوخته ای هم در قیامت نخواهند داشت (وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ) ؛ آنچه را هم که برای دنیا انجام دادند ، در همین دنیا با آنها تصفیه حساب می شود.

اگر به دنبال نام و شهرت هستند خداوند آوازه آنها را بر سر زبان ها خواهد انداخت و اگر به دنبال منافع مالی اند ، خداوند به مقدار ارزش کارشان آنقدر به آنها عطا می کند که چیزی طلبکار نباشند (وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسِرُونَ).

این عده با دستانی تهی وارد صحنه قیامت می شوند و عملی ندارند که آنها را وارد بهشت کند .

رسول خدا ص فرمودند: مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ ؛ ترس من از فقر امتم نیست؛ ترس من برای بی تدبیری آنهاست. بنابراین نداشتن مدیریت صحیح اقتصادی یکی از عوامل مهم در از دست دادن رزقی است که خداوند روزی انسان کرده است

نجات مؤمنین در عذاب ها

یکی از بارزترین تفاوت های بین بلاء و عذاب که اولی آزمون است و دومی ظهور غضب الهی بر قومی نابکار ، نجات همه مؤمنین در عذاب هاست.

با توجه به آیاتی مانند ۴۰ و ۵۸ و ۶۶ و ۹۴ همین سوره این معنا به خوبی روشن می شود .

در داستان قوم سرکش و کافر نوح علیه السلام در آستانه نزول عذاب، فهرستی از نجات یافتگان به حضرتش ابلاغ می شود که در آن نام تمام مؤمنین به آن حضرت به چشم می خورد: قُلْنَا اَحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ اَهْلَكَ اِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَ مَنْ ءَامَنَ ؛ گفتیم: در آن کشتی از هر نوع حیوانی دو زوج (یک جفت نر و ماده) سوار کن و نیز خاندان خود را- جز کسی که گفتار (ازلی ما) درباره (هلاکت) او گذشته است (همسر و یک پسر)- و کسانی را که ایمان آورده اند.

این نجات از عذاب، در آیات دیگر نیز تکرار می شود؛ مانند آیه ۵۸ که می فرماید: هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، هود علیه السلام و مومنان همراه او را با رحمتی از سوی خود نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت رهایی بخشیدیم .

کوتاهی در هر وظیفه ای ممنوع

آیه ۸۵ با اینکه درباره انصاف و رعایت عدالت اقتصادی در خرید و فروش است: اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ؛ پیمانانه و ترازو را کامل و عادلانه بدهید ، اما در آن دستوری است که از جامعیت گسترده ای برخوردار است و هر وظیفه ای که هر کس در مقابل دیگری دارد را در بر می گیرد. آن دستور این است: وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ؛ و از مردم کالاهایشان را (هنگام اداء حقوق در تمام سنجیدنی ها) کم مگذارید.

یعنی همگان در انجام وظیفه ای که در برابر دیگران دارند کمال دقت و همت را به کار گیرند و از هر گونه کوتاهی پرهیز کنند.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه ۱۶/۹

۲. کافی ۷۹/۵

۳. الارشاد ۳۰۳/۱